

## خلاقیت چیست؟ افراد خلاق چگونه هستند؟

آفرینندگی یا آفرینشگری یا خلاقیت، مهم ترین و اساسی‌ترین قابلیت و توانایی انسان و بنیادی‌ترین عامل ایجاد ارزش است که در همه ابعاد و جوانب زندگی وی نقش کاملاً حیاتی ایفا می‌کند. خلاقیت و نوآوری از والاترین ویژگی‌های انسان است. همه علوم، تولیدات، فناوری‌ها، صنایع، ابداعات، اختراعات، هنرها، ادبیات، موسیقی، معماری و به طور کلی اساس انواع تمدن‌ها از ابتدا تاکنون و کلیه دستاوردهای بشری، جلوه‌های گوناگون خلاقیت و نوآوری است. تمدن انسانی و زندگی وی بدون خلاقیت امکان‌پذیر نیست.

### تعریف خلاقیت:

به عنوان مثال تورنس، خلاقیت را به عنوان نوعی مسئله‌گشایی مد نظر قرار داده است. به نظر وی تفکر خلاق مختصر عبارتست از فرایند حس کردن مسائل یا کاستی‌های موجود در اطلاعات، فرضیه‌سازی دربارهٔ حل مسائل و رفع کاستی‌ها، ارزیابی و آزمودن فرضیه‌ها، بازنگری و بازآزمایی آن‌ها و سرانجام انتقال نتایج به دیگران. حمید رجایی خلاقیت را مهارت ذهنی برای تولید ایده تازه می‌داند. همچنین می‌گوید حدس موتور محرکه خلاقیت و علوم است.

خلاقیت شامل تولید چیزی است که هم اصیل و هم ارزشمند باشد و نشأت گرفته از فرایندهای خودآگاه و ناخودآگاه انسان می‌باشد. البته برخی هم معتقدند جان مایه خلاقیت تولید یک ایده است و ارزشمندی امری افزون شده است که در زمینه‌هایی دیگر مانند ارزشمند بودن از نظر تجاری سازی، فرهنگ، علم، فناوری و سایر زمینه‌ها مطرح می‌شود. اما به لحاظ روانشناختی، توانایی (به مثابه یک مهارت تقریباً قوام یافته) نوفهمی و ساخت ایده نو و تازه، تمام جوهر خلاقیت است. از دیدگاه یک دیدگاه علمی محصولات تفکر خلاق گاهی اوقات به تفکر واگرا ارجاع داده می‌شود. همانند دیگر پدیده‌ها در علم یک دیدگاه یا تعریف یگانه از خلاقیت وجود ندارد و به طور متنوع به موارد زیر منسوب شده است: فرایند

شناختی، محیطی اجتماعی، ویژگی فردی، شانس و همچنین مواردی مانند نبوغ، بیماری‌های روانی و شوخ‌طبعی پیوند داده شده‌است.

تعریف مناسب دیگر فرایند فرضیات شکسته است تفکرات خلاق زمانی تولید می‌شود که شخص پیش‌فرض‌ها را کنار گذاشته و یک دیدگاه جدیدی را جستجو کند که دیگران به آن نپرداخته‌اند. خلاقیت نیاز به حضور همزمان تعدادی از ویژگی‌ها از قبیل هوش، پشتکار، غیرمتعارف بودن و توانایی تفکر به سبکی خاص دارد. خلاقیت، خودکار و بدون زحمت و تلاش است و غالباً همچون تصورات ذهنی خودانگیخته به وجود می‌آید. برای آن مراحل توسط هلم هولتز و والاس پیشنهاد شده‌است: ۱- آمادگی ۲- دوره نهفتگی ۳- الهام ۴- تحقق.

### خصوصیات افراد خلاق :

افراد خلاق خیال‌پرداز هستند و رویاهای خود را بهتر به خاطر می‌آورند و ساده‌تر از دیگران هیپنوتیزم می‌شوند. اسکیزوفرنی و خلاقیت به طریقی با هم ارتباط دارند. چون افراد بسیار خلاق در بین بستگان افراد اسکیزوفرن بسیار دیده شده ممکن است پیوند ژنتیکی مستقیمی بین این دو خصوصیت وجود داشته باشد.

مندلسون عنوان کرد تفاوت در تمرکز توجه علت تفاوت در خلاقیت است. اگر کسی بتواند تنها به دو چیز در یک زمان توجه کند فقط یک قیاس ممکن در آن زمان می‌تواند کشف شود، اگر به چهار چیز توجه کند شش مقایسه<sup>۱</sup> ممکن وجود خواهد داشت. افراد خلاق توجه نامتمرکز دارند که با سطوح پایین فعال‌سازی قشری همراه است، از سوی دیگر افراد غیر خلاق توجه خود را زیادتر متمرکز می‌کنند و این آن‌ها را از فکر کردن در ایده‌های نوآورانه باز می‌دارد. مارتیندل و ایزنک مطرح می‌کنند خلاقیت یک سندرم بازداری زدایی است. افراد خلاق روش‌های گوناگون اغلب نامأنوسی را به کار می‌برند که معتقدند در خلاقیت بیش‌تر به آن‌ها کمک می‌کند.

شاید رایج‌ترین روش، گوشه‌گیری باشد که نزدیک به محرومیت حسی است یعنی شرایطی که انگیزتگی قشری را کاهش می‌دهد که این موضوع به علت حساسیت بیش از حد آنهاست. این افراد از نظر فیزیولوژیایی بیش‌واکنشی دارند.

افراد خلاق شیفته‌ی تازگی هستند و به دنبال تحریک ذهنی و نه محرک‌های قوی و مخاطره‌آمیز جهان واقعی هستند. با استفاده از پت، یافته‌ی جدید این است که هرس کردن نورونی که در میان سطح عادی و سطح سایکوپاتولوژی واقع شود می‌تواند موجب خلاقیت شود. دلایل دیگری که برای ارتباط نیمکره‌ی راست با خلاقیت وجود دارد این است که افراد خلاق تنها طی این فرایند و نه به طور کلی تکیه بیشتر بر نیمکره‌ی راست دارند.

افراد با خلاقیت بالا دچار ناکارایی در بازداری شناختی هستند که قطعه‌ی پیشانی مسئول آن است، بنابراین باید سطوح پایین‌تری از فعال‌سازی قطعه‌ی پیشانی را در افراد خلاق مشاهده کنیم که آزمایش‌ها و ارائه‌ی تکالیف این فرضیه را تأیید کرده‌است.

افراد خلاق عموماً ویژگی‌های دارند که آنها را از سایر مردم متمایز می‌کند. این ویژگی‌ها که همان ظهور و بروز نیروهای تفکری و تخیلی انسان در منظر و دیدگاه دیگران و تحقق عملکردهای آنها در عالم خارج است، عبارتند از:

#### ○ هوش:

افراد خلاق، همواره به اندازه کافی از هوش برخوردارند. یعنی لزوماً انسان‌های دارای هوش بالا، انسان‌های خلاق نیستند. بلکه کسانی خلاق هستند که توانسته‌اند هوش خود را به نحو مطلوبی تربیت و سازماندهی کنند.

### ○ فکر سیال:

از توانایی ایجاد سریع تعداد زیادی ایده برخوردار است.

### ○ انعطاف‌پذیری ادراکی:

توانایی دست کشیدن از یک قاعده و قانون و چارچوب و یافتن چارچوب‌های جدید را دارند. به بیانی دیگر، ذهن آنها بهتر و سریع تر می‌تواند قالب شکنی کند و به الگوهای جدید دست یابد.

### ○ ابتکار:

توانایی و تمایل به ایجاد جواب‌های غیرمعمول و مرسوم را در واکنش به محرک‌های محیطی دارند. تنوع طلبی و بیزاری از انجام کارها به صورت روتین از دیگر خاصیت‌های این ویژگی است.

### ○ استقلال رأی و داوری:

به خود متکی بودن و سنجش افکار و ایده‌ها بر مبنای منطق و استدلال به دور از وابستگی‌ها و غوغا سالاری‌ها و عدم تمایل به هم‌رنگی با جماعت از دیگر ویژگی‌های این افراد است.

### ○ اعتماد به نفس:

به توانایی خود اعتماد و باور دارند و تصویری واقعی از امکانات و حدود توانمندی‌های خود دارند.

### ○ خطرپذیری:

از انتقاد و شکست ترسی ندارند و اشتباهات را فرصتهایی برای یادگیری تلقی می‌کنند.

### ○ تمرکز ذهنی:

به طور فعال و پرتلاش، هم از نظر ذهنی و هم از نظر عملی، به ایده می‌پردازند.

### ○ دانش:

افراد خلاق، سال‌های زیادی را برای کسب دانش و تسلط بر موضوع مورد علاقه خود صرف می‌کنند و علاوه بر آن همواره در حال توسعه دائمی دانش و آگاهی خود هستند.

### ○ پیشینه تاریخی:

افراد خلاق، عموماً در زندگی دچار رخداد‌های متنوعی بوده‌اند و بعضاً فقدان‌های بزرگی نظیر والدین یا امکانات مالی داشته‌اند. این فقدان‌ها عموماً موجب برانگیختن احساس نیاز شده و فرد را واداشته‌اند تا در جهت رفع نیاز خود به راه‌های خلاقانه بیندیشد.

### ○ نیاز به کسب موفقیت:

افراد خلاق نیاز دارند در کسب هدف‌های خود، به موفقیت‌هایی دست پیدا کنند. این نیاز منبعی قوی و دلگرم‌کننده برای تلاش مضاعف فرد در زمینه دستیابی به راه‌های تازه، ریسک‌پذیری بیشتر و تمرکز قوی‌تر بر روی موضوع است.

## راه‌های پرورش خلاقیت

به خاطر پرورش خلاقیت باید کارهایی انجام دهیم که از طرفی دانش و تجربه ما را که به عنوان ماده خام خلاقیت هستند بالا ببرد و از طرف دیگر شیوه تفکر ما را اصلاح و هدایت کند و از سویی قدرت تخیل ما را بهبود بخشیده و امکان تصویرسازی به ما بدهد. می‌دانیم که خلاقیت نوعی تکاپوی فکری و ذهنی برای دست یابی به اندیشه‌های بدیع است. پس کارهایی که بتواند ذهن را در این راستا به تکاپو وادارد و به ما فرصت اندیشیدن و تبلور آن را در جهان خارج بدهد، موجب افزایش خلاقیت می‌شود.

### ○ تجربه:

غنی‌ترین منبع سوخت و عاملی است که موجب می‌شود انسان بتواند ایده‌های خلاقانه ارائه بدهد. تجربه را می‌توان از انجام کارهای متنوع و مخاطره انگیز، مسافرت مخصوصاً با شرایط سخت و مصیبت بار و به مکان‌های دور افتاده، تماس‌های شخصی با دیگران بویژه کودکان، خواندن شرح حال افراد، تماشا کردن تلویزیون، گوش کردن رادیو و ... به دست آورد.

### ○ بازی‌های فکری:

حل معما، جدول، شطرنج، کلمات متقاطع، بیست سوالی‌ها، بازی در هوای آزاد، حل مسائل ریاضی بخصوص مسائل هندسه و احتمال که نوعی ورزش ذهنی هستند در تقویت قدرت تفکر موثرند.

### ○ کوشش زیاد:

آنچه موجب خلاقیت می‌شود، لزوماً هوش و نبوغ فوق‌العاده نیست بلکه کوشش مضاعفی است که افراد خلاق انجام می‌دهند تا مغز را به تصور وادارند. سخت کوشی و عادت کردن به کار و تلاش ما را در هنگام تولید ایده‌های خلاقانه یاری می‌کند.

## ○ دانش:

بروز ایده‌های نو نیاز به دانش فراوان دارد. در حقیقت دانش ماده اولیه تصوری است توسعه دائمی دانش و اطلاعات وسیع در بروز ایده‌های خلاقانه نقش بی بدیلی دارند.

## ○ روحیه پرسش‌گری:

تقویت روحیه پرسش‌گری و اینکه انسان از طرح سؤال‌های به ظاهر کودکانه واهمه نداشته باشد و سؤال‌های چالش‌برانگیز مطرح کند، باعث پرورش کنجکاوی در انسان می‌شود و ساختار شکنی قالب‌های ذهنی را تسریع می‌کند.

## ○ زندگی انتزاعی:

تمام کارهایی که در زندگی انجام می‌شود یا حتی انسانهای پیرامون، می‌توانند به صورت انتزاعی و سمبولیک باشند. بطور نمونه: کدام یک مثبت و کدام یک منفی است؟ احتمالاً برنامه‌هایی وجود دارد که هم مثبت هستند و هم منفی. این باعث می‌شود تا ذهن مدام بپرسد: چگونه می‌توانم مثبت را در زندگی ام افزایش دهم؟ اینگونه شخص زندگی خود را انتزاعی کرده و در نتیجه خلاقیت مغز را به کار انداخته است